



تجربه

از روزی که وبلاگ نویس شدم

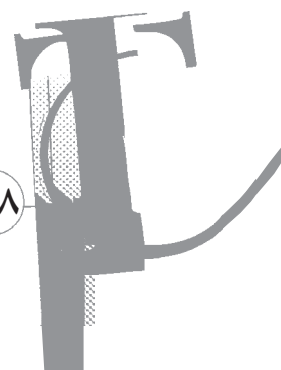
عبدالحمید پهلوزاده
دبیر راهنمایی منطقه ۱ آبدان شهرستان بوشهر

از وقتی وبلاگ نویس شدم، با افراد زیادی که در حیطه‌ی مشابه من فعالیت می‌کردند، آشنا شدم. اکثر این دوستان دبیر و برخی نیز دانشجو هستند. بعد از گذشت مدت زمانی و آشنایی بیشتر دبیران با وبلاگ و وبلاگ نویسی، یک وبلاگ گروهی تحت عنوان «گروه معلمان ریاضی راهنمایی» ایجاد کردیم که الان به سایت تبدیل شده است. در واقع این پایگاه را می‌توان به یک کلاس ضمن خدمت تشبیه کرد؛ با این تفاوت که این کلاس به شهر و استان و زمان مشخص محدود نیست و هیچ یک از همکاران به قصد رفع تکلیف - آن گونه که در جلسات ضمن خدمت بعضاً نمی‌کنند. بلکه هدف آن‌ها یا بیان درسی و آموزشی است. این آشنایی با همکاران،

داشت؛ تبعاتی هم چون دست‌های تازه، مثل ارائه‌ی مقاله در پایگاه‌های اینترنتی. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید، حالا وقتی من و دوستان وبلاگی‌ام در همایش یا کنفرانسی شرکت می‌کنیم، همان‌جا هم یک کارگاه آموزش وبلاگ نویسی دایر می‌کنیم تا جمع دوستانمان را افزایش دهیم و در ایده‌های نو و روش‌های جدید تدریس یکدیگر شریک شویم. من تاکنون از دوستان وبلاگ نویسم، در زمینه‌ی خرید تجهیزات جدید آموزشی و روش‌های جدید

تبعات دیگری هم برای من به دنبال یافتن به ایده‌های جدید و شروع کنفرانس‌های کشوری و ایجاد کنفرانس‌های جدید و وبلاگی‌ام در دستم، راهنمایی‌های بسیاری گرفته‌ام. شاید خواندن این خاطره برای شما هم شیرین باشد: امسال اوایل مهرماه، در ابتدای کلاس استاد از ما خواست که خودمان را معرفی کنیم. وقتی خودم را معرفی کردم، یکی از هم‌کلاسی‌ها از من پرسید: «پهلوزاده‌ای را که وبلاگ دارد، می‌شناسی؟» بلبخندی جواب دادم: «خودم هستم!» اول باور نمی‌کرد، ولی بالاخره بعد از مدتی باور کرد که من همان پهلوزاده‌ی وبلاگ نویس هستم. بعد به من گفت: «من همیشه با خودم فکر می‌کردم، نویسنده‌ی این وبلاگ یک آدم هیکلی و بلندقد است که به زحمت وارد اتاق می‌شود!»

و در آخر، یکی از پیامدهای خوشایند وبلاگ نویس شدنم این است که شما از طریق همین وبلاگ با من آشنا شدید و حالا می‌خواهید دست نوشته‌هایم را که شاید هیچ‌کس آن‌ها را چاپ نکند، چاپ کنید و به گوش همکارانم برسانید. موفق باشید.



یک فرق وبلاگ با ایمیل این است که وقتی روی دکمه‌ی ارسال کلیک می‌کنی، ایمیل را یک یا چند نفر محدود ممکن است بخوانند، ولی وبلاگ را همه می‌خوانند!

وقتی یک ایمیل ارسال می‌کنید، ممکن است فقط منتظر یک پاسخ کوچک باشید، اما وقتی وبلاگ می‌نویسید، منتظرید که دیگران در پای نوشته‌ی شما نظراتشان را منعکس کنند. اگر خیلی به خواننده شدن مطلبان اهمیت بدهید، می‌توانید روش‌هایی را برای آمارگیری از خواننده شدن وبلاگتان به کار بگیرید تا بفهمید، چند نفر دیگر وبلاگ شما را می‌خوانند. خلاصه این که خواننده شدن! اشتیاقی است که در همه‌ی انسان‌ها، به خصوص معلمان که حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، وجود دارد و وبلاگ پاسخی بود برای این اشتیاق نهفته در من.

اولین وبلاگم را پنج سال پیش، وقتی دانشجوی شیمی و معلم آزمایشگاه شیمی بودم، راه انداختم. ابتدا فقط درباره‌ی شیمی می‌نوشتم، تا این که رخدادهای بامزه‌ی آزمایشگاه را هم در وبلاگم منعکس کردم و مورد توجه خوانندگان قرار گرفت. از آن زمان بود که نویسنده‌ی آن وبلاگ، هویتش از یک دانشجوی شیمی به یک معلم شیمی برای خوانندگان تغییر کرد.

وبلاگ فرصت‌های زیادی را برای من مهیا کرد که اولین آن، آشنایی من با سردبیر مجله‌ی «رشد مدرسه فردا» بود. بعدها فرصت‌های مشابه زیادی نصیب شدند. یک بار هم توسط یکی از خوانندگان وبلاگم برای برگزاری کارگاه آموزشی مختصری به یکی از شهرستان‌های استان تهران دعوت شدم. خلاصه، علاوه بر خواننده شدن، دیده و شنیده هم شدم!

در طول این مدت، وبلاگ‌های متفاوتی را، هم با نام خودم و هم با نام مستعار، تجربه کرده‌ام. شاگردانم وبلاگم را خوانده‌اند و «کامنت» گذاشته‌اند و فرصت‌هایی غیررسمی را برایم فراهم کرده‌اند که شاید به واسطه‌ی شرایط فرهنگی کشورمان، هیچ‌گاه فرصت‌هایی به این نابی برای فراگیری مهارت‌های زندگی (بدون داشتن وبلاگ) نصیب نمی‌شد.

یکی دیگر از وبلاگ‌هایم که هنوز در شبکه‌ی اینترنت وجود دارد و از صفحه‌ی روزگار محو نشده، وبلاگی است که در جریان

سفر به کره جنوبی و شرکت در کنفرانس آموزش شیمی نوشتم. وقتی

پنج ساعت قبل از پرواز، پول بلیت هواپیما را از مقامات مسئول گرفتم،

دیگر احساس نمی‌کردم که برای تفریح راهی سفر ماچین شده‌ام. احساس می‌کردم که باید تجربیات

این سفر را در اختیار همه قرار بدهم. نوشتن گزارش روزانه از کنفرانسی که تنها ایرانی شرکت‌کننده

در آن بودم، احساس خوبی به من می‌داد؛ به گونه‌ای که انگار در کشور خودم هستم و همه‌ی

این اتفاقات را با دوستان و همکارانم مشترکاً تجربه می‌کنم!

راستی، وبلاگ قشنگی داری! به من هم سر بزن. می‌خواهم خواننده شوم!



تجربه

می‌خواهم خواننده شوم!

علیرضا منسوب بصیری
دبیر شیمی منطقه ۷ تهران



تجربه

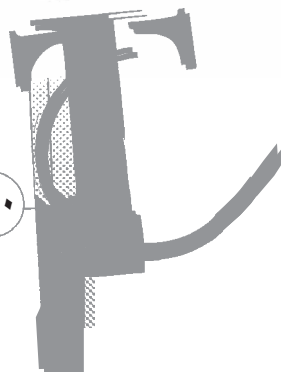


من هم یک وبلاگ نویس شدم

همه چیز از یک مسابقه شروع شد. «پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت استان گلستان»، یک دوره مسابقه‌ی وبلاگ نویسی برپا کرد و از آن روز من هم یک وبلاگ نویس شدم.

از روزی که وبلاگ نویس شدم، ارتباط شیرین و لذت بخشی با دوستان وبلاگی خود دارم. از این که خوانندگان وبلاگم والدین دانش آموزانم هستند، احساس شادمانی و مسرت می کنم. وبلاگ نویسی باعث انسجام در کارها و تدریسم شده است. پشتکار بیشتری در تدریس دارم و وقت بیشتری را برای تدریس می گذارم. سعی می کنم، بهترین مطالبی را که ارزش نوشتن دارند، بیایم و در وبلاگم قرار دهم. وقتی مطلبی را در وبلاگم می نویسم، احساس خوبی به من دست می دهد. فکر می کنم داشتن وبلاگ با هدف سازندگی و تلاش برای موفقیت در دوره‌ی ابتدایی، کار بسیار ارزشمندی است که من فقط با کمی اهل رایانه و اینترنت بودم، به این هدف رسیده‌ام.

آموزگار شهرستان آق قلا استان گلستان
عبدالغفور کتبه





دفتر انتشارات کمک آموزشی

آشنایی با
مجله های رشد



اگر وبلاگ نداشتیم ...

عادل دور
معلم چند پایه دبستان حکمت جیهون
شهرستان بندر خمیر - استان هرمزگان

وقتی شروع کردم به وبلاگ نویسی، فقط می خواستم درد دل کنم و حرفایم را جایی گفته باشم.

اما وبلاگ مرا غافل گیر کرد. اتفاقاتی افتادند که هرگز انتظارشان را نداشتیم.

دوستانی یافتیم که بدون وبلاگ هرگز نمی توانستیم آن ها را بیابیم.

اگر وبلاگ نداشتیم، دانش آموزان فقیر و محروم «دبستان حکمت جیهون» طعم هدیه و جایزه را نمی چشیدند.

اگر وبلاگ نداشتیم، ۹ مدرسه ی محروم روستایی، کتاب خانه نداشتند (یک کامیون کتاب و کمد همراه با هدایایی زیبا را، دوستان نادیده و ناشناخته ای ارسال کردند).

اگر وبلاگ نداشتیم، دوستانی در انگلستان، هند و بسیاری از شهرهای ایران نداشتیم که برای دانش آموزان محروم جیهون و روستاهای دیگر، هر از گاهی هدایایی بفرستند.

اگر وبلاگ نداشتیم، امروز روی این کاغذ که به همه ی مدرسه ها می رود، حرفی و جایی نداشتیم.

اگر وبلاگ نداشتیم، سندی از خاطراتم برای آیندگان نداشتیم.

وبلاگ آقا معلم تنها یک وبلاگ نبود؛ معجزه بود! وقتی اولین فرشته ایمیل زد و نوید اولین معجزه را داد، از آن به عنوان شیرین ترین خاطره ی وبلاگ نویسی یاد کردم. اما این اولین، آخرین نبود.

معجزه ای که باز هم می تواند اتفاق بیفتد؛ برای هر معلمی و برای هر کسی.

و در پایان، اگر وبلاگ نداشتیم، این خاطرات زیبا را نداشتیم.

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم (دو هفته نامه)

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان
- رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه.

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس
دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها
و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

